

## عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی - اجتماعی

### در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی

علیرضا قاسمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۲

باقر ساروخانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۶

#### چکیده

طلاق یکی از مشکلات اجتماعی است که نرخ آن در مهر و موم‌های اخیر رو به افزایش بوده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل مرتبط با طلاق و مقایسه‌ی سلامت روانی - اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی بوده است. از این‌رو، ۳۶۹ نفر از زوجین متقاضی طلاق توافقی و ۱۶۵ نفر از زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی در کرمانشاه به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه ساختمند و پرسشنامه‌ی سلامت روان و مقیاس ادراک حمایت اجتماعی بود. نتایج نشان داد که بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان (۱۲/۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰/۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹/۲ درصد)، سوءظن و بدبینی (۸/۱ درصد)، اعتیاد (۶/۲ درصد)، بی‌توجهی (۵/۷ درصد)، تنفر و عدم علاقه (۳/۵ درصد) و خیانت (۳/۵ درصد) بوده است. همچنین بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی به ترتیب اعتیاد (۱۳/۹ درصد)، بی‌توجهی (۱۱/۵ درصد)، دخالت اطرافیان (۱۰/۳ درصد)، ضرب و شتم (۸/۵ درصد)، دروغ‌گویی (۸/۴ درصد) بوده است. نتایج مانوا نشان داد که حمایت اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و سلامت روان مختل در زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی بیشتر بود. نتایج اطلاعات مهمی را در خصوص علل و عوامل طلاق و تفاوت معنی‌دار حمایت اجتماعی و سلامت روان در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی به دست می‌دهد. توجه به علل و عوامل و سلامت روانی - اجتماعی متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

[alirezaghaseemi78@yahoo.com](mailto:alirezaghaseemi78@yahoo.com)

۲ - استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

کلید واژه: طلاق توافقی، طلاق غیر توافقی، عوامل اجتماعی، سلامت روانی - اجتماعی، زوجین.

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال هشتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که جامعه و زندگی خانوادگی ایرانی را تهدید می‌کند طلاق<sup>۱</sup> است، متأسفانه در جامعه ما، زندگی زنان پس از ترک شوهر (به دلیل فوت همسر یا طلاق) غالباً با ابهامات و مخاطراتی روبه‌روست از جمله سرپرستی فرزندان به تنهایی و گاه به‌سختی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با افسردگی و ناامیدی و همچنین نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان، آنان را در رابطه اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌کند. با توجه به روند رو به افزایش شمار زنان سرپرست خانوار در مهر و موم‌های اخیر، در نتیجه افزایش میزان طلاق در جامعه، لزوم توجه بیشتر به این قشر از افراد جامعه ملموس‌تر است. در پژوهش‌های مختلف به نقش عواملی که باعث مشکلات روانی و اجتماعی زنان می‌شود اشاره شده است و نشان داده شده که ضعف قوانین حقوقی در زمینه دسترسی زنان مطلقه به حقوقی که بعد از طلاق، در قوانین حقوقی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است بخصوص در زمینه مهریه، اجرت‌المثل و نفقه جهت نگهداری فرزندان، از جمله مسائل و مشکلات زنان مطلقه سرپرست خانوار است (قربانی، ۱۳۸۰؛ نقل از احدی، ۱۳۸۷: ۶۷). از دیدگاه گاتمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۳؛ نقل از یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰: ۱۹۳) طلاق فرآیندی است که باتجربگی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد. در برخی دیگر از تعاریف، طلاق به‌گونه‌ای گسیختگی خانواده و انحلال قانونی، شرعی و عرفی ازدواج تحت شرایط و مقرراتی گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

یکی از انواع طلاق، طلاق توافقی<sup>۱</sup> است. زن و مرد می‌توانند با توافق یکدیگر اقدام به طلاق نمایند، لیکن مقصود از طلاق به توافق زوجین این نیست که اراده‌ی زن و مرد به یک اندازه در طلاق مؤثر بوده و به‌منزله یک قرارداد بین زوجین تلقی می‌شود، چنین امری در فقه امامیه و قانون مدنی قابل قبول نیست، چراکه هر دو، طلاق را حق و اختیار مرد دانسته‌اند. این نظر مبتنی بر یک مفهوم مضیق و محدود از طلاق با تراضی است. اگر مقصود از طلاق به توافق این باشد که اراده‌ی زن و مرد به یک اندازه در طلاق مؤثر باشد و طلاق یک قرارداد بین زوجین تلقی شود یا لااقل صرف توافق اراده‌های خصوصی زن و شوهر مبنای حکم دادگاه بر طلاق باشد، طلاق به توافق به این معنا در فقه امامیه و قانون مدنی پذیرفته نشده است (مهر پور محمدآبادی، ۱۳۵۲: ۵۲). انقلاب طلاق توافقی، ازدواج را با ابطال ساده و کم‌هزینه صیغه‌ی ازدواج به‌عنوان یک پیوند نامعتبر و نامناسب میان افراد مطرح کرده است. به هر طریق پیشرفت‌های تکنولوژی برای تأمین خانواده، توسعه و رفاه مناطق و افزایش منابع اقتصادی در دسترس برای زنان، از میزان وابستگی آنان به مردان برای حمایت‌های خود و فرزندانشان کاست و این روند منجر به تجزیه‌ی نهاد ازدواج شده است، خواه‌ناخواه این تغییرات، پتانسیل‌هایی مداوم برای عوض شدن نقش نهاد ازدواج در جوامع دارند که هنوز کاملاً قابل پیش‌بینی نیست. تغییرات اخیر حاکی از کاهش نرخ ازدواج در بسیاری از کشورهاست و نیز چالش‌ها و تغییرات عمیق به وجود آمده در این نهاد (ازدواج) در واقع از مسائل بسیار جدی در جوامع محسوب می‌شود. (باتمن و واسنیکا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰، به نقل از ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴).

1 - Uncontested Divorce  
2 - Bethman & Kvasnika

### طرح مسئله

میزان طلاق در مهر و موم‌های اخیر در جهان رشد فزاینده‌ای داشته است؛ به طوری که این رشد از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ به ترتیب به ۷/۲، ۷/۵ و ۷/۹ درصد رسیده است (برنشتاین، ۱۳۷۷؛ نقل از یزدخواستی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶۴). بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۹ نرخ طلاق نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۸، ۷/۵ درصد افزایش داشته است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۹؛ نقل از شریفی، کارسولی و بشلیده، ۱۳۹۰: ۲۱۳). آمارهای موجود در خصوص ازدواج و طلاق در دنیا نشان می‌دهد که بالاترین نرخ طلاق دنیا در سال ۲۰۰۷، مربوط به کشور سوئد (با نرخ ۵۴/۹) است و کشورهای آمریکا، بلاروس، فنلاند، لوگزامبورگ، استونی، دانمارک، بلژیک، استرالیا و چک به ترتیب رتبه‌های دوم تا دهم را به خود اختصاص می‌دهند. بر اساس تحقیقات ماکای (۲۰۰۴: ۷۸) نرخ طلاق در مهر و موم‌های ۱۹۵۰، ۱۹۸۰، ۱۹۸۹، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ به ترتیب به ۰/۵، ۱/۰، ۱/۳، ۱/۵ و ۲/۳ در هر هزار نفر رسیده است.

علل و عوامل طلاق به چهار بعد ۱- اجتماعی (اعتیاد، ازدواج تحمیلی، سنت‌های غلط، مداخله‌ی اطرافیان، میزان مهریه، سابقه‌ی دوستی قبل از ازدواج، خشونت‌های خانوادگی و غیره)، ۲- اقتصادی (فقر، عدم پرداخت نفقه، تجمل‌گرایی، بیکاری مرد، استقلال‌خواهی مالی از طرف زنان و به‌روز شدن مهریه‌ی زنان)، ۳- فرهنگی (اختلافات مذهبی، اختلافات فرهنگی، خیانت آشکار و پنهان زوجین، اهانت به مقدسات شرعی یکدیگر، تعصبات بی‌جای فرهنگی و غیره) و ۴- فردی - شخصیتی (مصرف مواد مخدر، قماربازی، اختلافات سنی، نازایی، بی‌اعتنایی به همسر، بیماری و اختلالات روانی و غیره) تقسیم می‌شوند که بیشترین علل آن به عوامل فردی - شخصیتی برمی‌گردد (کاملی، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۸۸).

از نظر سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) سلامت روان حالتی از رفاه است که در آن فرد توانایی‌هایش را باز می‌شناسد و قادر است با استرس‌های معمول زندگی تطابق حاصل کرده، از نظر شغلی مفید و سازنده بوده و به‌عنوان عضوی از جامعه با دیگران همکاری و مشارکت داشته باشد (نقل از کرمی و همکاران، ۱۳۵۸: ۸). براک و همکاران (۲۰۱۰: ۱) نشان داده‌اند که میزان افرادی که به دنبال حل مشکلات سلامتی هستند در افراد مطلقه بسیار بیشتر از افراد غیر مطلقه است.

حمایت اجتماعی، کمک‌ها و حمایت‌های اجتماعی والدین، دوستان و دیگر افراد مهم است که فرد آن‌ها را با توجه به شرایط اجتماعی و فردی خود درک می‌نماید (اروزکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۳۲). گرافرید<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) نشان داد که حمایت اجتماعی و ایجاد روابط جدید بعد از طلاق سازگاری افراد طلاق گرفته را به‌صورت مثبت پیش‌بینی می‌کند. به این معنی که نمرات بالا در ادراک حمایت اجتماعی با سازگاری بالای بعد از ازدواج مرتبط است. از آنجا که طلاق و جدایی از همسر یکی از رویدادهای استرس‌زای زندگی است، پژوهش‌ها نشان داده است که حمایت اجتماعی فرصت‌هایی را برای افراد در جهت بحث و بررسی در مورد حوادث استرس‌زا و کاهش آزاردهندگی این حوادث فراهم می‌کند و احتمالاً افراد را قادر می‌نماید که به معنا رسیده و جنبه‌های مثبت خویش را شناسایی نمایند (جانوف بولمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹: ۲۸).

طلاق، مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده است و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولویت‌های بهداشت روانی به شمار می‌آید. بهداشت روانی نسل‌های جامعه درگرو تأمین بهداشت روانی خانواده به‌عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش

---

1 - World Health Organization  
2 - Orozco  
3 - Graff-Reed  
4 - Janoff-Bulman

برای تحول در رشد استعدادهاست که هرگونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان‌های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت. از این رو، با توجه به عدم تحقیقات در زمینه علل طلاق توافقی و غیر توافقی و سلامت روانی - اجتماعی در این دو نوع طلاق و همچنین با توجه به روند افزایشی طلاق توافقی در دادگاه‌های امروز به طوری که از هر ۳ طلاق دو مورد آن به طلاق توافقی مربوط می‌شود، پرداختن به علل طلاق توافقی و غیر توافقی و مشکلات روانی - اجتماعی متأثر از این دو نوع طلاق علاوه بر پر کردن خلأ پژوهشی در این زمینه، می‌تواند بعد افزایشی در زمینه تفاوت طلاق توافقی و غیر توافقی قابل توجه باشد؛ این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱ - آیا از نظر عوامل کلان (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی) بین متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی تفاوت وجود دارد؟
- ۲ - آیا بین سلامت روان متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی تفاوت وجود دارد؟
- ۳ - آیا بین حمایت اجتماعی متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی تفاوت وجود دارد؟

خیاط‌غیائی، روستا و معین (۱۳۸۹: ۷۷) نشان دادند که اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سن زوجین، تحصیلات زن و سن ازدواج با گرایش زنان به طلاق رابطه مستقیم و مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان با گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس دارد. همچنین آن‌ها نشان دادند که برآورده نشدن انتظارات از نقش همسری، خشونت شوهر و عدم صداقت در پیش‌بینی گرایش به طلاق به میزان ۶۹ درصد سهم داشته‌اند.

علل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی، ضعف در برقراری ارتباطات، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی‌وفایی و خیانت، برآورده نشدن

انتظارات، اعتیاد، سوءاستفاده جنسی و فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مشکل ذکر شده است (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). در جامعه‌ی ما نیز بر اساس پژوهش‌های انجام شده، توقعات بیجا، تجمل‌گرایی، هوس‌بازی برخی همسران، درک نکردن یکدیگر و دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان، بعضی از دلایل مؤثر بر طلاق بیان شده است (حسینی، ۱۳۸۶؛ نقل از مشکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸). مهم‌ترین مشکل زوجین مراجعه جهت درمان فقدان احساس عشق، مشاجره بر سر قدرت، مشکلات ارتباطی، انتظارات غیرمنطقی بوده است (ویسمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۶۱). زرگر و نشاط‌دوست (۱۳۸۶: ۷۳۷) نشان دادند که بیشترین علل تقاضای طلاق به ترتیب مشکلات ارتباطی، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها و بیماری روانی یکی از زوجین عنوان شده است. رحیمی (۱۳۷۹: ۳۵) نشان داد که علل و عوامل طلاق عبارت‌اند از: عدم تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، بیکاری، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، دخالت دیگران، اختلاف سطح سواد و اختلاف سنی. همچنین سیف‌الهی ننه‌کران (۱۳۷۲: ۱۴۱) نشان داد که علت‌های طلاق به ترتیب نداشتن توافق اخلاقی، اختلاف خانوادگی، اختلاف داخلی، نداشتن سازگاری، اعتیاد، عدم تمکین، عقیم بودن، نداشتن بچه و ندادن خرجی می‌باشند. دانش و همکاران (۱۳۷۰: ۳۴) نیز نشان دادند علل و عوامل طلاق عبارت‌اند از: (۱) عوامل اقتصادی (فقر، کمی درآمد، نداشتن مسکن و بیکاری) و (۲) عامل غیراقتصادی (اختلاف فرهنگی، چندهمسری، بی‌سوادی و اختلاف طبقاتی).

افیفی، کوکس و انس (۲۰۰۶: ۱) نشان دادند که زنان ازدواج کرده و ازدواج نکرده در سلامت روانی مشابه هستند، اما زنان مطلقه نسبت به دیگران دارای مشکلات سلامت روان بیشتری از جمله اختلال استرس پس از طلاق، افسردگی، افسرده

1 - Whisman



خویی، اضطراب فراگیر، اختلال شخصیت ضد اجتماعی هستند. بین زنان ازدواج نکرده و زنان مطلقه نیز در میزان اختلال اضطراب فراگیر و افسردگی تفاوت مشاهده شد و نمره‌ی زنان مطلقه در این متغیرها بیشتر بود. ریچارد و همکاران (۱۹۹۷: ۱) نشان دادند که طلاق با افزایش اضطراب و افسردگی و خطر سوء مصرف الکل همراه است و بین طلاق و آسیب‌پذیری روانی رابطه‌ی مثبت وجود دارد، به طوری که تقریباً نیمی از افراد مطلقه از سلامت روانی پایین برخوردار هستند.

در مورد طلاق نظریه‌های مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از:

**الف - نظریه‌ی شبکه:** نام الیزابت بات با نظریه شبکه همراه است. وی درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای همبسته می‌داند که زوجین بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک‌تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک‌شده‌تر بوده و بیشتر تابع سلسله‌مراتب است (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

**ب - نظریه‌ی همسان‌همسری:** همسانی میان دو فرد (داشتن صفات همگون، همسانی مذهب و نژاد پیوندهای قومی محکم میان زن و شوهر)، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۶۶ - ۴۰؛ نقل از فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۴ - ۲۳).

**ج - نظریه‌ی مبادله:** از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت،

منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود (جلیلیان، ۱۳۷۸: ۴۵ - ۴۴؛ نقل از فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۴).

د - **نظریه‌ی منزلت اجتماعی (قشربندی اجتماعی):** بر اساس این نظریه، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار دیگران دارند. همچنین خانواده‌ها با منزلت‌های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، توان هم‌نواپی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار هنجاری‌های اجتماعی می‌شوند (روشه، ۱۳۷۲؛ نقل از فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۶). در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد. بنابراین منزلت اجتماعی با تحت تأثیر قرار دادن جنبه‌های مختلف زندگی، بر پدیده‌ی طلاق نیز تأثیر می‌گذراند (فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۶).

ه - **نظریه‌ی تصورات اجتماعی:** بر اساس این نظریه انسان در دنیایی که زندگی می‌کند با اشیاء، قوانین، آیین‌ها، اصول، افراد و غیره تماس و برخورد دارد. این برخوردها، برداشت‌هایی را برایش به همراه می‌آورد و غالباً از چیزهای پیرامونش برداشت‌هایی یکسان (از نظر کمیت و کیفیت) ندارد (مولر، ۱۹۷۴؛ از فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۷). بر اساس استنباطی که از این دیدگاه می‌شود به همین ترتیب تصویری که انسان‌ها از پیامدهای طلاق دارند نیز با یکدیگر متفاوت است. پیامدهای طلاق از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان هم ناگوار نیست و این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌کند (فاتحی‌دهاقانی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۷).

و - **نظریه‌ی ساخت یابی گیدنز (تلفیق دو سطح کلان و خرد):** به نظر گیدنز هر تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ با کنش و یا ساخت اجتماعی سروکار دارد، به-هیچ‌وجه نمی‌توان گفت که ساختار، کنش را تعیین می‌کند و یا برعکس. گیدنز اعتقاد دارد نظریه‌ی کنش متقابل نمادین گرایش به تأکید بر فعالیت‌های کنشگران

آزاد دارد، اما نظریه کارکردگرایی ساختی بیشتر به ساختارها توجه دارد. گیدنز در تحلیل جامعه‌شناسی خرد و جامعه‌شناسی کلان بر این باور است که ترکیب خرد و کلان می‌تواند برای جامعه‌شناسی مفید باشد و این دو نظریه در جامعه‌شناسی لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.

به نظر گیدنز نظریه‌های کلان متوجه عینیت اجتماعی و نظریه‌های خرد متوجه ذهنیت افراد هستند، نکته‌ی بسیار مهم از دیدگاه گیدنز این است که ساختار نسبت به کنشگر بیگانه نیست بلکه هم در ذهن و هم در عمل اجتماعی او حضور دارد. کنش‌های انسان، هم نتایج عمدی (ارادی) و هم نتایج غیرعمدی (ساختاری) به دنبال دارد. گیدنز می‌گوید محدوده اصلی مطالعات علوم اجتماعی بر اساس تئوری ساخت یابی، نه تجربه فردی و نه وجود هر نوع پایان اجتماعی است، بلکه تمرین اجتماعی است که طی مکان و زمان نظم می‌یابد. گیدنز نقطه‌ی عزیمت نظریه‌ی ساخت یابی خود را فعالیت انسان می‌داند اما بر برگشتی بودن آن تأکید دارد؛ یعنی فعالیت‌ها به وسیله‌ی کنشگران اجتماعی یک‌باره به وجود نمی‌آید بلکه به تدریج از نو خلق می‌شود.

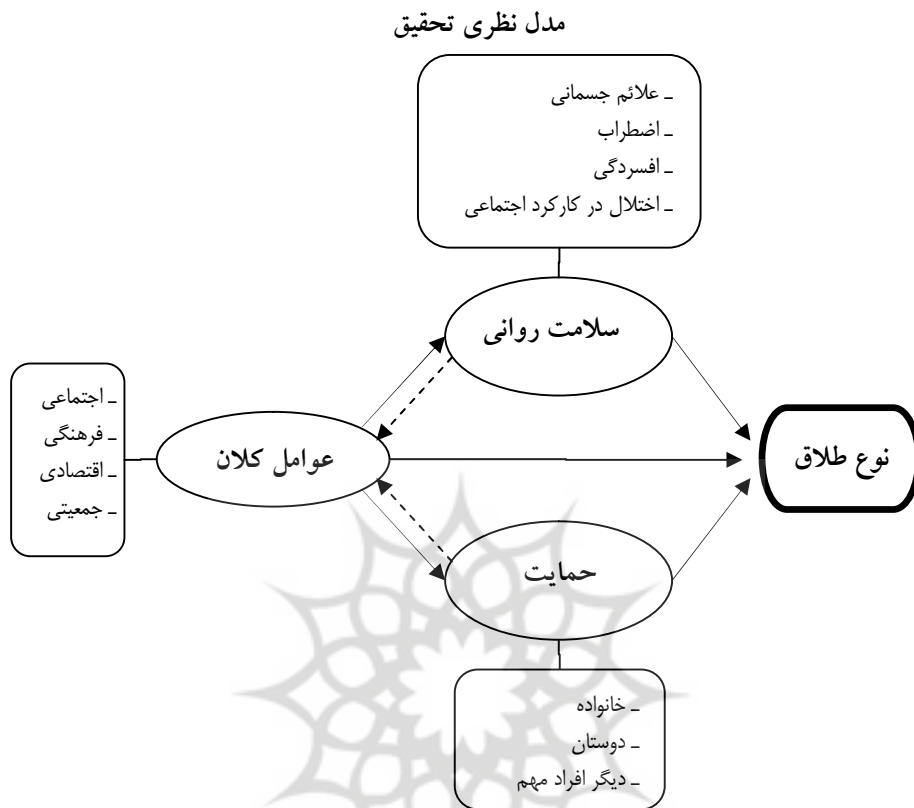
گیدنز اعتقاد دارد برخورد نظریه و رویکردهای نظری رقیب نشانه‌ای از نیروی حیاتی تفکر جامعه‌شناسی است. در مطالعه‌ی انسان‌ها، تنوع نظری ما را از جزم‌اندیشی نجات می‌دهد. رفتار انسانی پیچیده و دارای جنبه‌های متعدد است (پدیده طلاق دارای همین خصلت‌های موردنظر گیدنز است) و بسیار نامحتمل است که یک دیدگاه نظری به‌تنهایی بتواند همه‌ی جنبه‌های آن را در برگیرد. مهم‌ترین عنصر ارضاء کننده در رهیافت گیدنز این است که علاقه‌ی اصلی او که همان ساختاربندی است، به معنای ذاتاً تلفیقی ارائه می‌شود. ساخت‌های عوامل و ساختارهای موردنظر او مستقل از هم نیستند. خواص نظام اجتماعی از دیدگاه گیدنز، هم به‌عنوان میانجی هم به‌عنوان آثار عملکردهای کنشگران مطرح می‌شود و

این خواص نظام عملکردهای کنشگران را به گونه‌ای سامان می‌دهد. لازم به ذکر است که گیدنز رابطه‌ی کلان و خرد را مکمل یکدیگر می‌داند (آقاجانی، ۱۳۸۷: ۱۰۱-۱۰۰).

نظریه‌های مربوط به طلاق توافقی اندک هستند. استفان مکولان بیان می‌کند، در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ آمریکا دستخوش تحولات گسترده‌ای موسوم به انقلاب طلاق گردیده و در اکثر ایالت‌ها بر مبنای قانون طلاق و شکل‌های مختلف طلاق توافقی عمل می‌شود. به‌طور مشخص قوانین زمینه‌ای طلاق توافقی به زوجین اجازه می‌دهد در مسیری برای پایان دادن به زندگی زناشویی بدون دلیل و کوتاهی در زندگی مشترکشان گام بردارند. زمینه‌ی کلی مقاله این است که تئوری‌های اقتصادی چگونه به حل پیچیدگی‌های فرآیند طلاق و نیز تغییرات مشخص و مختلف حاصل از اصلاح قانون برای برانگیختن ازدواج یا طلاق کمک می‌کند (به نقل از ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳). مریل<sup>۱</sup> معتقد است، طلاق در برخی موارد توجیه‌پذیر است اما متأسفانه طلاق در همه انواع آن به امری معمولی و عادی در دنیای بیرون بدل شده است. بر طبق اطلاعات سال ۱۹۹۴ فلوریدا در حال حاضر بالاترین میزان طلاق در آمریکا برای هشتمین بار کسب کرده و واقعیت جنجال‌برانگیز در مورد طلاق این است که ازدواج‌ها بیشتر به این دلیل پایان می‌پذیرند که مردم خواستار تغییر هستند. قسمتی از دلیل افزایش طلاق توافقی این مبنای نگرشی اجتماعی به آزادی و جلب نظر مردم به سوی رهایی از مسئولیت‌ها است. طلاق توافقی موقعیتی نامأنوس خلق می‌کند که جدایی زوجین از هم راحت‌تر از فسخ یک اجاره‌نامه‌ی اتومبیل در نظر گرفته می‌شود (مریل، ۲۰۰۷؛ به نقل از ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵).

بنا بر مباحث فوق، می‌توان نتیجه گرفت که طلاق توافقی نیز در ایران رو به افزایش نهاده است. در ایران پیشنهاد طلاق توافقی گاه از طرف زنان داده می‌شود و به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر شرکت زنان در فعالیتهای شغلی و اقتصادی است که آنان را از حمایت‌های مالی همسران بی‌نیاز و زمینه مستقل بودن آنان را فراهم می‌نماید؛ بنابراین آنان به خاطر رهایی از مشکلات زناشویی روی به طلاق توافقی می‌آورند. به تعبیر دیگر، می‌توان به این نکته اشاره کرد که در ایران به دلیل سنتی بودن فرایند ازدواج و طلاق، عده‌ای از زنان دارای مشکلات زناشویی، رنج مربوط مشکلات زناشویی را تحمل می‌نمایند و تا آخر عمر با همسران خود زندگی می‌کنند و ممکن است از زندگی زناشویی هیچ‌گونه لذتی کسب نکنند؛ اما عده‌ای دیگر از معیارها و فرآیندهای زناشویی سنتی فرار می‌کنند و به محض وجود مشکلات زناشویی خود را با طلاق توافقی از قید شوهران رها می‌کنند؛ زیرا نمی‌توانند رنج‌های مربوط به مشکلات زناشویی را تحمل کنند. ذکر این نکته نیز لازم است که حمایت اطرافیان (پدر، مادر و افراد دیگر) بعد از طلاق می‌تواند به فرایند طلاق توافقی در ایران نیز کمک کند؛ زیرا حمایت‌های اجتماعی موجب می‌شود که زنان با تکیه بر این حمایت‌ها، زندگی مستقل بعد از طلاق را به‌خوبی تجربه کنند.

در این تحقیق، محقق با توجه به اهداف تحقیق و با استفاده از نظریات مطروحه و با تأکید بر نظریه ساخت‌یابی گیدنز (با برداشتی آزاد) الگوی تحقیق خود را به شرح مدل ذیل ارائه می‌نماید:



### روش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است؛ زیرا هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل مرتبط با طلاق توافقی و غیر توافقی در زوجین متقاضی طلاق است. محل انجام پژوهش شهرستان کرمانشاه بوده است. از میان متقاضیان طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه، تعداد ۳۶۹ نفر (زوجه یا زوج) و از میان متقاضیان طلاق غیر توافقی ۱۶۵ نفر (زوج یا زوجه) با رضایت کامل و به صورت نمونه‌گیری در دسترس در پژوهش شرکت داده شدند. لازم به ذکر است متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی از بین دادگاه‌های درگیر در امر طلاق و مسائل زناشویی شهرستان کرمانشاه انتخاب شده‌اند و تاریخ جمع‌آوری اطلاعات از فروردین تا

شهریور ۱۳۹۰ بوده است. در این پژوهش از سه ابزار برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است که عبارت‌اند از:

**الف - مصاحبه ساختمند:** بر اساس مصاحبه ساختمند سؤالات از قبل تعیین شده از زوجین پرسیده شده است و جواب‌های آنان بدون کم‌وکاست ثبت شده است. مصاحبه ساختمند شامل سؤالاتی از جمله سن، سن ازدواج، میزان رضایت والدین از ازدواج زوجین، سابقه طلاق در خانواده‌ی زوجین، میزان آشنایی قبل از ازدواج، دوره‌ی نامزدی، وضعیت اشتغال متقاضیان، میزان مصرف سیگار و مواد مخدر و نوع آن در زوجین و در نهایت علل و عوامل طلاق از دیدگاه زوجین بوده است. لازم به ذکر است علل و عوامل طلاق توافقی در نمونه‌ی پژوهش بر اساس پرونده‌ی آن‌ها از کارشناسان دادگستری درگیر در پرونده‌های آنان نیز به صورت مجزا بررسی شده است.

**ب - پرسشنامه‌ی سلامت عمومی:** فرم ۲۸ سؤالی پرسشنامه‌ی سلامت عمومی<sup>۱</sup> توسط گلدبرگ و هیلیر (۱۹۷۹) بر اساس تحلیل عوامل بر روی فرم اصلی ساخته شد و شامل چهار مقیاس ۷ سؤالی (علائم جسمانی، اضطراب، افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی) است. شیوه‌ی نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۰ تا ۳ نمره‌گذاری می‌گردد و نمره‌ی بالا در این پرسشنامه نشانه‌ی مشکل در سلامت روان است (نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). گلدبرگ و همکاران (۱۹۷۹) همبستگی پرسشنامه‌ی مذکور را با فهرست ۹۰ علامتی تجدیدنظر شده در اگوتیس و همکاران (۱۹۷۶) ۰/۷۸ بیان کرده‌اند (نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۵). یعقوبی (نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۵) در مطالعه‌ی حساسیت و ویژگی این پرسشنامه را در بهترین نقطه‌ی برش (نمره ۲۱) به ترتیب ۰/۸۶/۵ و ۰/۸۲ گزارش نموده است و در

پژوهش هومن (نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) حساسیت و ویژگی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۳/۳ و ۰/۷۶ به دست آمد. در پژوهش نصری (نقل از ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۵) با اجرای پرسشنامه فوق بر روی پرستاران، ضریب همسانی درونی ۰/۹۳ و ضریب پایایی به شیوه دو نیمه‌سازی ۰/۸۳ به دست آمد.

ج - مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده‌ی چندبعدی: این مقیاس توسط زیمت و همکاران (۱۹۸۸) ساخته شده است و دارای ۱۲ آیت است. این مقیاس حمایت اجتماعی را در سه بعد خانواده، دوستان و دیگر افراد مهم می‌سنجد. هر بعد این مقیاس دارای ۴ آیت است. آزمودنی به هر آیت آن روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالف و ۷= کاملاً موافق) پاسخ می‌دهد. آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه‌ی زیمت و همکاران (۱۹۸۸) برای زیر مقیاس‌های دیگر افراد مهم، خانواده و دوستان به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۸۵ بوده است. در مطالعه‌ی ادواردز<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) آلفای کرونباخ آن برای بعد خانواده ۰/۸۸، دوستان ۰/۹۰ و دیگر افراد مهم ۰/۶۱ گزارش شده است. در مطالعه‌ی اروزکو (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ برای بعد دیگر افراد مهم ۰/۹۵، خانواده ۰/۸۶ و دوستان ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش قمری (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ برای بعد افراد مهم دیگر، خانواده و دوستان به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۲ و ۰/۷۸ و در بررسی اعتبار آن بین حمایت اجتماعی با سرسختی رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار ( $R=0/48$ ) به دست آمد.

پس از مشخص شدن موضوع و نمونه‌ی پژوهش، پژوهشگر به دادگاه‌های درگیر در امر طلاق در شهرستان کرمانشاه مراجعه نموده و با همکاری کارشناسان درگیر در امر طلاق و با معرفی زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی، هدف پژوهش خود را برای زوجین عنوان نموده و آنان را از اینکه اطلاعاتشان بدون نام و



نام خانوادگی بوده و جهت رعایت اخلاق نتایج به صورت گروهی بررسی خواهد شد، آگاه نمود. پس از آن از زوجینی که تمایل به همکاری با پژوهشگر داشتند مصاحبه ساختمند به عمل آمد و زوجین به تک تک سؤالات که هدف مصاحبه ساختمند بود، پاسخ دادند و پژوهشگر پاسخها را یادداشت می نمود. سپس پرسشنامه سلامت عمومی و حمایت اجتماعی ادراک شده در اختیار آنان قرار گرفت تا در مدت ۲۵ دقیقه به سؤالات این دو پرسشنامه پاسخ دهند. در نهایت اطلاعات به دست آمده بر اساس سؤالات پژوهش و با استفاده از نرم افزار SPSS20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### یافته ها

نتایج توصیفی نشان داد که از نظر وضعیت تحصیلی ۳/۳ درصد مردان متقاضی طلاق توافقی بی سواد، ۱۳ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۴/۷ درصد تحصیلات راهنمایی، ۶ درصد تحصیلات دبیرستان، ۳۶/۹ درصد دیپلم، ۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۸/۱ درصد لیسانس و ۰/۳ درصد فوق لیسانس بوده اند و ۴/۶ درصد وضعیت تحصیلی خود را گزارش نکردند. در میان زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی نیز ۴/۵ درصد بی سواد، ۱۴/۸ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۶/۳ درصد تحصیلات راهنمایی، ۶/۳ درصد تحصیلات دبیرستان، ۲۵/۶ درصد دیپلم، ۳/۴ درصد فوق دیپلم، ۱۰ درصد لیسانس، ۰/۹ درصد فوق لیسانس، ۰/۲ درصد دکتری و ۸/۹ درصد دانشجو بوده اند و ۴/۲ درصد وضعیت تحصیلی خود را گزارش نکردند. از میان متقاضیان طلاق توافقی فقط ۳۳/۹ درصد میزان مهریه خود را عنوان کرده بودند و میانگین تعداد سکه به عنوان مهریه این افراد ۲۱۷/۶۹ سکه بوده است. از میان متقاضیان طلاق غیر توافقی ۴۳ درصد میزان مهریه خود را عنوان کرده بودند و میانگین تعداد سکه به عنوان مهریه این افراد ۲۴۵/۶۹ سکه بوده است. از نتایج

جالب توجه اینکه تقریباً ۷۶ درصد زنان متقاضی طلاق توافقی و ۲۱ درصد زنان متقاضی طلاق غیر توافقی مهریه خویش را حلال کرده بودند. همچنین میانگین و انحراف استاندارد سنی متقاضیان طلاق توافقی  $27/18 \pm 2/42$  و میانگین و انحراف استاندارد سنی زنان  $25/12 \pm 3/33$  بوده است. همچنین ۴۱ درصد از زوجینی که به صورت توافقی و ۲۸ درصد از زوجینی که به صورت غیر توافقی از یکدیگر جدا شده‌اند فاقد فرزند بوده‌اند. همچنین ۱۴ درصد از زنان و ۲۱ درصد از مردانی که به صورت توافقی از یکدیگر جدا شده‌اند در زندگی مشترک، با خانواده‌ی همسر رابطه نداشته‌اند و در مقابل ۲۸ درصد از زنان و ۲۸ درصد از مردانی که به صورت غیر توافقی از یکدیگر جدا شده‌اند در زندگی مشترک، با خانواده‌ی همسر رابطه نداشته‌اند.

از نظر وضعیت اشتغال در متقاضیان طلاق توافقی  $84/3$  درصد شاغل و  $15/7$  درصد بیکار و در میان متقاضیان طلاق غیر توافقی  $79/9$  درصد شاغل و  $20/1$  درصد بیکار بودند. در میان زنان متقاضی طلاق توافقی  $18/1$  درصد ازدواج اجباری و  $77/9$  درصد ازدواج اختیاری و در میان متقاضیان طلاق غیر توافقی  $22/2$  درصد ازدواج اجباری و  $77/8$  درصد ازدواج اختیاری داشتند. در زنان متقاضی طلاق توافقی  $88/3$  درصد آشنایی قبل از ازدواج داشتند و  $11/7$  درصد آشنایی نداشتند. در میان زنان متقاضی طلاق غیر توافقی  $71/6$  درصد آشنایی قبل از ازدواج را تجربه کرده بودند و  $28/4$  درصد آشنایی قبل از ازدواج نداشتند.

جدول ۱: علل و عوامل اختلافات زوجین متقاضی طلاق توافقی

علت	فراوانی	درصد	علت	فراوانی	درصد
اعتیاد	۲۳	۶/۲	کاهش میزان حضور زن در خانه	۱	۰/۳
دخالت اطرافیان	۴۶	۱۲/۵	کاهش میزان حضور مرد در خانه	۲	۰/۵
تنفر و عدم علاقه	۱۲	۳/۵	اختلاف مذهبی زوجین	۴	۱/۱
ضرب و شتم	۳۶	۱۰/۳	عدم تمکین	۱	۰/۳
سوءظن و بدبینی	۳۰	۸/۱	عدم ثبات شغلی همسر	۱	۰/۳
درآمد ناکافی	۹	۲/۴	عقیم بودن مرد	۲	۰/۵
بیماری روانی	۱	۰/۳	بیماری همسر (هیپاتیت، ایدز)	۴	۱/۱
نارضایتی جنسی	۵	۱/۴	مهاجرت	۹	۲/۴
بیکاری شوهر	۸	۲/۲	وسواس	۱	۰/۳
خیانت	۱۲	۳/۲	بی‌احترامی	۶	۱/۶
ازدواج مجدد شوهر	۲	۰/۵	بی‌توجهی	۲۱	۵/۷
متواری بودن همسر	۱	۰/۳	دروغ‌گویی	۳۴	۹/۲
نداشتن مسکن مستقل	۴	۱/۱	عدم رعایت بهداشت	۴	۱/۱
ازدواج تحمیلی	۷	۱/۹	سایر	۸۴	۲۲/۷

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان (۱۲/۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰/۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹/۲ درصد)، سوءظن و بدبینی (۸/۱ درصد)، اعتیاد (۶/۲ درصد)، بی‌توجهی (۵/۷ درصد)، تنفر و عدم علاقه (۳/۵ درصد) و خیانت (۳/۵ درصد) بوده است.

جدول ۲: علل و عوامل اختلافات زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی

علت	فراوانی	درصد	علت	فراوانی	درصد
اعتیاد	۲۴	۱۳/۹	کاهش میزان حضور زن در خانه	۲	۱/۲
دخالت اطرافیان	۱۷	۱۰/۳	کاهش میزان حضور مرد در خانه	۲	۱/۲
تنفر و عدم علاقه	۳	۱/۸	اختلاف مذهبی زوجین	۲	۱/۲
ضرب و شتم	۱۴	۸/۵	عدم تمکین	۲	۱/۲
سوءظن و بدبینی	۱۱	۶/۶	عدم ثبات شغلی همسر	۰	۰/۰
درآمد ناکافی	۹	۵/۴	عقیم بودن مرد	۰	۰/۰
بیماری روانی	۴	۲/۴	بیماری همسر (هیپاتیت، ایدز)	۴	۲/۴
نارضایتی جنسی	۲	۱/۲	مهاجرت	۸	۴/۸
بیکاری شوهر	۳	۱/۸	وسواس	۲	۱/۲
خیانت	۷	۴/۲	بی احترامی	۸	۴/۸
ازدواج مجدد شوهر	۱	۰/۶	بی توجهی	۱۹	۱۱/۵
متواری بودن همسر	۰	۰/۰	دروغ‌گویی	۱۴	۸/۴
نداشتن مسکن مستقل	۲	۱/۲	عدم رعایت بهداشت	۱	۰/۶
ازدواج تحمیلی	۴	۲/۴	سایر	۰	۰/۰

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی به ترتیب اعتیاد (۱۳/۹ درصد)، بی‌توجهی (۱۱/۵ درصد)، دخالت اطرافیان (۱۰/۳ درصد)، ضرب و شتم (۸/۵ درصد) و دروغ‌گویی (۸/۴ درصد) بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد سلامت عمومی و حمایت اجتماعی به تفکیک

متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی

متقاضیان طلاق غیر توافقی		متقاضیان طلاق توافقی		گروه‌ها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	آماره‌ها
۱/۵۱	۱۱/۸۲	۱/۵	۱۴/۴	حمایت از طرف خانواده
۱/۹۷	۱۱/۶۸	۱/۵۵	۱۵/۳	حمایت از طرف دوستان
۲/۲۳	۱۱/۱۱۵	۲/۸۴	۱۴/۴۹۵	حمایت از طرف شخص مهم
۴/۹۸	۳۴/۶۲	۳/۷۶	۴۴/۳	حمایت اجتماعی (کل)
۱/۷۳	۳/۸۸	۰/۸۱۶	۲/۰	علائم جسمانی
۱/۶۴	۴/۵۵	۰/۵۰	۲/۵	اضطراب
۲/۰۳	۵/۵۴	۱/۵	۲/۵۱	افسردگی
۱/۹۳	۴/۷۷	۰/۶۴	۳/۹۲	اختلال در عملکرد اجتماعی
۴/۸۵	۱۸/۷۵	۲/۱۴	۱۰/۹۲	سلامت عمومی (کل)

جدول ۳ میانگین و انحراف استاندارد حمایت اجتماعی و ابعاد آن و سلامت عمومی و ابعاد آن را به تفکیک متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی نشان می‌دهد. برای مقایسه حمایت اجتماعی و سلامت عمومی در متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوآ) استفاده شد. قبل از اجرای این آزمون آماری پیش‌فرض‌های آن یعنی آزمون باکس برای همگنی ماتریس‌های واریانس کواریانس و آزمون لوین جهت رعایت شرط برابری واریانس‌ها استفاده شد. نتایج آزمون باکس در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ معنی‌دار نبود ( $P < 0/10$ ); ( $F=1/14$ ). همچنین برای هر دو متغیر حمایت اجتماعی ( $F=2/35$ ;  $P < 0/18$ ) و سلامت عمومی ( $F=3/13$ ;  $P < 0/0835$ ) آزمون لوین معنی‌دار نبود که حاکی از رعایت شرط برابری واریانس‌ها است. نتایج تحلیل واریانس در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه حمایت اجتماعی و سلامت روان در متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی

متغیر مستقل (منبع)	متغیر وابسته	مجموع مجذورات (SS)	DF	میانگین مجذورات (MS)	F	P	ضریب اتا
گروه	حمایت اجتماعی سلامت روان	۱۰۷۲۹/۴۶۲	۱	۱۰۷۲۹/۴۶۲	۶۰۹/۴۵۶	۰/۰۰۱	۰/۵۳۴
		۷۱۷۸/۶۰۲	۱	۷۱۷۸/۶۰۲	۶۷۱/۲۰۲	۰/۰۰۱	۰/۵۵۸
خطا	حمایت اجتماعی	۹۳۶۵/۸۵۷	۵۳۲	۱۷/۶۰۵			
	سلامت روان	۵۶۸۹/۸۱۹	۵۳۲	۱۰/۶۹۵			
کل	حمایت اجتماعی	۹۲۱۸۵۴/۰	۵۳۴				
	سلامت روان	۱۰۹۵۴۳/۰	۵۳۴				

با توجه به این که در این پژوهش سه متغیر وابسته وجود دارد بنابراین بر اساس تصحیح آلفای بنفرونی متغیرها در سطح کمتر از ۰/۰۲۵ معنی دار می شوند؛ زیرا آلفای ۰/۰۵ بر ۲ (تعداد متغیرهای وابسته) تقسیم می شود؛ بنابراین بر اساس نتایج جدول می توان گفت که هر دو متغیر در سطح آلفای کمتر از ۰/۰۲۵ معنی دار هستند. به این معنی که میانگین حمایت اجتماعی و سلامت روان در متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی تفاوت معنی دار وجود دارد ( $WILKS = ۵۰۱/۳۳$ ؛  $LAMBDA$ ؛  $P < ۰/۰۰۱$ ؛  $\eta^2 = ۰/۵۶۴$ )؛ ضریب اتا؛ بنابراین با توجه به میانگینها (جدول ۳) میانگین حمایت اجتماعی در متقاضیان طلاق توافقی بیشتر از متقاضیان طلاق غیر توافقی و میانگین سلامت عمومی (نشان دهنده مشکل در سلامت روان) در متقاضیان طلاق غیر توافقی بیشتر از متقاضیان طلاق توافقی بوده است ( $P < ۰/۰۵$ ).

### بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی به ترتیب مربوط به دخالت اطرافیان (۱۲/۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰/۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹/۲ درصد)، سوءظن و بدبینی (۸/۱ درصد)، اعتیاد (۶/۲ درصد)، بی‌توجهی (۵/۷ درصد)، تنفر و عدم علاقه (۳/۵ درصد) و خیانت (۳/۵ درصد) و بیشترین عوامل طلاق زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی به ترتیب اعتیاد (۱۳/۹ درصد)، بی‌توجهی (۱۱/۵ درصد)، دخالت اطرافیان (۱۰/۳ درصد)، ضرب و شتم (۸/۵ درصد)، دروغ‌گویی (۸/۴ درصد) بوده است. این نتیجه با یافته‌های کاملی (۱۳۸۶: ۱۸۹ - ۱۸۸) همخوان است که نشان داد بی‌اعتنایی به همسر، مداخله اطرافیان، خشونت‌های خانوادگی و خیانت آشکار و اعتیاد از جمله عوامل مرتبط با طلاق هستند. همچنین با نتایج حسینی (۱۳۸۶) (نقل از مشکئی و همکاران، ۱۳۹۰) و زرگر و نشاط‌دوست (۱۳۸۶) مبنی بر اثر دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان بر میزان طلاق، ویسمن و همکاران (۱۹۹۷) مبنی بر نقش مشاجرات خانوادگی در طلاق و رحیمی (۱۳۷۹) مبنی بر نقش اعتیاد و دخالت دیگران در میزان طلاق همخوان است.

در تبیین این یافته می‌توان تأثیر عوامل کلان فرهنگی - اجتماعی را به عینه مشاهده نمود؛ بدین صورت که دخالت‌های بی‌جای اطرافیان در زندگی خانوادگی در ایران یکی از مشکلاتی است که مشکلات زناشویی و مشاجرات خانوادگی بین زوجین را افزایش می‌دهد؛ زیرا زوجین به دلیل عدم نشان دادن پرخاشگری بر علیه اطرافیان نسبت به همدیگر پرخاشگری نشان می‌دهند که موجب اختلافات زناشویی در آنان می‌شود. در مورد نقش ضرب و شتم نیز می‌توان گفت که این مشکل نیز روابط زناشویی را دچار مشکل خواهد کرد، زیرا ضرب و شتم مرد

نسبت به زن یکی از موانع دوستی و صمیمیت بین زوجین است. سوءظن و بدبینی نسبت به همسر نیز یکی از مشکلاتی است که در فرهنگ‌های دارای تعصبات زناشویی مشکل‌ساز است، زیرا هر چه از نظر فرهنگی تعصب نسبت به همسر بیشتر باشد به تبع آن سوءظن و بدبینی نیز افزایش پیدا می‌کند که نقش مهمی در اختلافات زناشویی در فرهنگ‌های متعصب دارد. بی‌توجهی (مخصوصاً از طرف مردان) نیز یکی از مشکلاتی است که زوجین را ممکن است نسبت به یکدیگر خنثی کند، زیرا عدم توجه مخصوصاً توجه عاطفی مردان به زنان موجب می‌شود که زنان احساس کنند دیگر مردان آن‌ها را دوست ندارند و به خواسته‌های آنان توجه نمی‌کنند و این امر در آشوب‌های زناشویی ممکن است نقش بسزایی داشته باشد. تنفر و عدم علاقه به همدیگر نیز از مشکلاتی است که در زوجین ایرانی منجر به اختلافات زناشویی می‌شود؛ زیرا تنفر و عدم علاقه به همدیگر موجب بهانه‌گیری‌های طولانی زن و شوهر نسبت به همدیگر می‌شود و تنفر آن‌ها از یکدیگر را بیشتر خواهد کرد. در مورد خیانت نیز می‌توان گفت که یکی از عوامل آن وجود فیلم‌های خارجی و ترویج‌های ماهواره‌ای است که در سالیان اخیر رواج بیشتری یافته است. خیانت زن و شوهر مخصوصاً خیانت جنسی یکی از مشکلاتی است که موجب تنفر زوج از زوجه یا زوجه از زوج می‌شود و وجود خیانت در فرهنگ‌های متعصب اگر منجر به قتل همسر نشود، پیامدی جز طلاق و جدایی در بر نخواهد داشت. در جمع‌بندی مباحث فرهنگ و طلاق می‌توان به نظر ویرجینیا وولف<sup>۱</sup> اشاره نمود که «حاصل خشم پریهاوی تحکم‌آمیز مرد که بر ادعای برتری خود پا می‌فشارد و ابراز انزجار زن که برای دست یافتن به حقوق خود جیغ می‌زند جز ادبیات بد [گفتمان بد] چیزی نیست» (به نقل از پیغمبرزاده، ۱۳۸۴: ۹۴).



نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که حمایت اجتماعی (از طرف خانواده، دوستان و افراد مهم) در متقاضیان طلاق توافقی بیشتر از متقاضیان طلاق غیر توافقی است. به عبارت دیگر متقاضیان طلاق توافقی نسبت به متقاضیان طلاق غیر توافقی حمایت اجتماعی بیشتری را از طرف خانواده، دوستان و اشخاص مهم دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه در این زمینه تحقیقی صورت نگرفته است نمی‌توان این نتیجه را همخوان یا ناهمخوان با تحقیقات قبلی دانست. در تبیین این یافته می‌توان گفت شاید یکی از دلایل اینکه متقاضیان طلاق توافقی به طلاق توافقی روی آورده‌اند همین ادراک حمایت اجتماعی از طرف خانواده، دوستان و اشخاص مهم در زندگی باشد؛ زیرا داشتن حمایت از طرف خانواده، دوستان و اشخاص مهم در زندگی موجب می‌شود که متقاضیان طلاق توافقی بیشتر با مسئله طلاق سازگار باشند، زیرا آن‌ها با ادراک این نوع حمایت‌ها می‌توانند زندگی بعد از طلاق خود را به صورت مثبت ارزیابی کنند و احساس می‌کنند که در ادامه‌ی زندگی بعد از طلاق سازگاری بهتری را تجربه خواهند کرد؛ به عبارت دیگر، داشتن حمایت‌های اجتماعی از طرف خانواده، دوستان و افراد مهم می‌تواند در سازگاری بهتر با طلاق و پیامدهای منفی آن به آنان کمک کند. در تبیین این یافته می‌توان به بعد فرهنگی کشور ایران نیز اشاره کرد: از نظر فرهنگی افراد مطلقه بعد از طلاق با مشکلات زیادی (اقتصادی، اجتماعی، روانی و غیره) مواجه هستند، اما اگر بدانند بعد از طلاق از حمایت‌های اجتماعی مثبت برخوردار هستند مشکلات بعد از طلاق را سبک و قابل حل احساس می‌کنند. با توجه به آنکه در نظریه‌ی مریل (۲۰۰۷) نگرشی اجتماعی به آزادی و جلب نظر مردم به سوی رهایی از مسئولیت‌ها یکی از عوامل طلاق توافقی مطرح شده است (به نقل از ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵)، می‌توان گفت که دریافت حمایت اجتماعی از طرف دوستان، خانواده

و دیگر افراد مهم در زندگی زوجین متقاضی طلاق توافقی می‌تواند زمینه‌ی رهایی از مسئولیت‌ها و رهایی و آزادی از قید و بندها را فراهم آورد.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که سلامت روان مختل (علائم جسمانی، اضطراب، افسردگی و اختلال در عملکرد اجتماعی) در متقاضیان طلاق غیر توافقی بیشتر از متقاضیان طلاق توافقی است؛ به عبارت دیگر متقاضیان طلاق غیر توافقی نسبت به متقاضیان طلاق توافقی مشکلات مربوط به سلامتی از جمله مشکلات جسمانی، اضطراب، افسردگی و اختلال در عملکرد اجتماعی را تجربه می‌کنند. سلامت روان هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه‌ای در نظر گرفته می‌شود. از نظر آبراهام مازلو<sup>۱</sup> تلاش برای سلامت روانی، تلاش برای آرامش معنوی و هماهنگی اجتماعی نیز هست (مازلو، ۱۳۸۱: ۲۵). تحقیقات زیادی در گذشته به مشکلات سلامتی مرتبط با طلاق اشاره نموده‌اند (براک و همکاران، ۲۰۱۰؛ افیفی و همکاران، ۲۰۰۶؛ ریچارد و همکاران، ۱۹۹۷)، اما در مورد مقایسه سلامت روان متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی تحقیقی صورت نگرفته است. در تبیین این یافته می‌توان گفت چون متقاضیان طلاق توافقی به دلیل اینکه با توافق همدیگر به طلاق راضی شده‌اند، توافق آنان بر سر طلاق می‌تواند منجر به مشکلات سلامتی کمتری در میان آنان شود؛ به عبارت دیگر، زوجین متقاضی طلاق توافقی شاید بهترین راه‌حل را برای جدا شدن از شخصی که در ازدواج هیچ توافقی با او ندارند، طلاق بدانند و طلاق و توافق به طلاق، از زندگی با مشاجرات زناشویی برای آنان بهتر است؛ زیرا متقاضیان طلاق توافقی ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که راه‌حل جدایی از مشکلات زناشویی برای آنان طلاق است و احتمالاً احساس می‌کنند که از زندگی بعد از طلاق رضایت بیشتری دارند.

در تبیین این نتیجه نیز می‌توان به نظر استفان مکولان (به نقل از ساروخانی و قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۴) اشاره کرد که بیان می‌کند عوامل کلان اقتصادی و مستقل شدن زنان از نظر مالی و اقتصادی می‌تواند یکی از دلایل طلاق توافقی باشد. در ایران نیز طی مهر و موم‌های اخیر ورود زنان به عرصه‌های اقتصادی و برخورداری آنان از شغل باعث بی‌نیاز شدن آنان به شوهر شود و همین امر ممکن است زمینه‌ی سلامت روان مناسب در آنان را بعد از طلاق توافقی فراهم نماید؛ زیرا ممکن است آنان دیگر از نظر اقتصادی به شوهران خود وابسته نباشند و جدایی و طلاق را بر مشاجرات زناشویی ترجیح می‌دهند زیرا مشاجرات زناشویی به میزان مشکلات روانی آنان خواهد افزود. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که توافق بر طلاق از طرف زوجین موجب می‌شود که آنان کمتر در مشکلات نامه‌نگاری و اداری دادگاه‌های خانواده قرار بگیرند، زیرا درگیری‌های اداری موجب سردرگمی زوجین متقاضی طلاق غیر توافقی می‌شود؛ در حالی که در زوجین متقاضی طلاق توافقی فرآیند طلاق کمتر به طول خواهد انجامید و این در بهتر بودن سلامت روان آنان نسبت به متقاضیان طلاق غیر توافقی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

حال با توجه به این نتایج می‌توان گفت که تغییر روش طلاق در جامعه از غیر توافقی به روش توافقی، خود نشان از گرایش جامعه به نوگرایی در همه‌ی عرصه‌ها دارد؛ در واقع نوگرایی زنان سبب شده است تا ساختار مردسالار جامعه تا اندازه‌ی زیادی به محاق رود و زندگی وارد عرصه‌ی دموکراتیک‌تری شود که در آن افراد بر اساس بازانديشی در هویت خویش، زندگی خویش را پایه‌ریزی می‌نمایند. چه بسا در این پی‌ریزی نوین، روند جدیدی را برای زندگی خویش بیابند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش بررسی مقطعی داده‌ها و استفاده از مصاحبه ساختمند و پرسشنامه‌های خود گزارش دهی بوده است؛ زیرا مصاحبه ساختمند و رو در رو صحبت کردن با پژوهشگر و استفاده از پرسشنامه‌ی صرف ممکن است

موجب شود که زوج یا زوجه اطلاعات ناقصی را گزارش کنند. با توجه به این محدودیت‌ها، نتایج این پژوهش اطلاعات مهم و مفیدی را در خصوص علل و عوامل طلاق توافقی و غیر توافقی و تفاوت حمایت اجتماعی و سلامت روان در این دو گروه به دست می‌دهد و به دلیل وجود تحقیقات اندک در زمینه زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی این نتایج مفید و مؤثر هستند. بر اساس نتایج پیشنهاد می‌شود که با وجود مطرح شدن مشاوره‌ی خانواده در هر خانواده‌ی ایرانی موجبات آموزش مشاوره‌ای مناسب جهت کاهش تعارضات زناشویی به مشاوران فراهم شود تا حداقل از میزان طلاق و مشکلات مرتبط با آن جلوگیری شود. پیشنهاد می‌شود که به نقش و اهمیت طلاق توافقی و غیر توافقی در حمایت اجتماعی و سلامت روان متقاضیان طلاق توافقی و غیر توافقی توجه شود تا بتوان هم از مشکلات در حین طلاق و هم از مشکلات بعد از فرآیند طلاق جلوگیری کرد.

#### منابع

- ۱- آقاجانی، حسین (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی همسرگزینی، ازدواج، طلاق. تهران: نشر علم.
- ۲- ابوالقاسمی، عباس؛ نریمانی، محمد (۱۳۸۴). آزمون‌های روان‌شناختی. اردبیل: انتشارات باغ رضوان.
- ۳- احدی، بتول (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی گذشت نسبت به خود و دیگران با افکار خودکشی در زنان مطلقه. گزارش پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۴- پیغمبرزاده، زینب (۱۳۸۴). داستان داستان‌نویسی و داستان خوانی زنان. کتاب ماه ادبیات فلسفه. شماره‌ی ۹۳.
- ۵- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- ۶- خیاط‌غیائی، پروین و دیگران (۱۳۸۹). بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده‌ی شیراز. **فصلنامه‌ی زن و جامعه**. شماره‌ی اول. دوره سوم.
- ۷- رحیمی، حسین (۱۳۷۹). بررسی عامل‌های طلاق در استان خراسان. **فصلنامه‌ی جمعیت**. سال هشتم. شماره ۳۳ و ۳۴.
- ۸- ریتزر، جورج (۱۳۸۰). **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه‌ی محسن ثلاثی‌زاده. تهران: علمی. چاپ پنجم.
- ۹- زرگر، فاطمه؛ نشاط‌دوست، حمید طاهر (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق در شهرستان فلاورجان. **فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی**. سال سوم. شماره ۱۱.
- ۱۰- ساروخانی، باقر؛ قاسمی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر برافزایش طلاق توافقی. **فصلنامه‌ی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده**. سال هفتم. شماره ۲۱.
- ۱۱- سیفالله‌ی ننه کران، حجت‌الله (۱۳۷۲). بررسی علت‌های طلاق و کاربرد روش تجزیه عامل ارتباط‌ها. **نامه‌ی علوم اجتماعی**. شماره ۳.
- ۱۲- شریفی، مرضیه و دیگران (۱۳۹۰). اثربخشی بازآموزی اسنادی در کاهش فرسودگی زناشویی و احتمال وقوع طلاق در زوجین متقاضی طلاق. **مشاوره و روان‌درمانی خانواده**. دوره‌ی اول. شماره‌ی دوم.
- ۱۳- فاتحی‌دهاقانی، ابوالقاسم؛ نظری، علی‌محمد (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. **مطالعات امنیت اجتماعی**. شماره‌ی ۲۵.
- ۱۴- قمری، حسین (۱۳۸۸). **نقش حمایت اجتماعی و سرسختی در پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان**. دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه روانشناسی، گزارش پژوهشی.
- ۱۵- کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. **فصلنامه دانش انتظامی**. سال نهم. شماره سوم.
- ۱۶- کرمی، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۵). بررسی وضعیت سلامت روانی جانبازان شیمیایی ناشی از گاز خردل. **طب نظامی**. سال هشتم. شماره اول.

- ۱۷- مازلو، آبراهام (۱۳۸۱). **زندگی در اینجا و اکنون**، هنر زندگی متعالی. ترجمه‌ی مهین میلانی. تهران: فرا روان.
- ۱۸- مشکى، مهدى و ديگران (۱۳۹۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۸۸-۱۳۸۷. **افق دانش**. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد. سال هفدهم. شماری اول.
- ۱۹- مهر پور محمودآبادی، حسین (۱۳۵۲). **طلاق با توافق زوجین در حقوق ایران**. دانشگاه تهران. حقوق خصوصی.
- ۲۰- یزدخواستی، حامد و دیگران (۱۳۸۷). بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک. **فصلنامه‌ی خانواده پژوهی**. سال چهارم. شماره‌ی پانزدهم.
- ۲۱- یوسفی، ناصر و دیگری (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی رویکردهای خانواده‌درمانی مبتنی بر حضور ذهن و فراشناخت بر کیفیت روابط زناشویی در مراجعات در آستانه طلاق. **مشاوره و روان‌درمانی خانواده**. سال اول. شماره‌ی دوم.

- 1 - Afifi, TO; Cox, BJ; Murray W. Enns, MW. (2006). Mental health profiles among married, never-married, and separated/divorced mothers in a nationally representative sample. **Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology**. 41(2).
- 2 - Bracke, PF; Colman, E; Symoens, SAA; Praag, LV. (2010). Divorce, divorce rates, and professional care seeking for mental health problems in Europe: a cross-sectional population-based study. **BMC Public Health**, 10(224)2-12.
- 3 - Edwards, L. M. (2004). Measuring perceived social support in Mexican American Youth: Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support. **Hispanic Journal of Behavioral Sciences**, 26(2), 187-194.
- 4 - Graff-Reed, R. L.(2004). **Positive Effects of Stressful Life Events: Psychological Growth Following Divorce**. Dissertation for the Degree: Doctor of Philosophy, Miami University, The Graduate School.
- 5 - Janoff-Bulman, R. (1999). Rebuilding shattered assumptions after traumatic life events: Coping Processes and Outcomes. **In C.R. Snider (Ed.), Coping: The Psychology of What Works**. New York: Oxford University Press.

- 6 - Mukai, M. (2004). **Modernization and Divorce in Japan**, Japan, Marshall University, thesis submitted to for the degree of Master of Arts in Sociology. <http://ezproxy.marshall.edu:2048/login>, PP. 76-77.
- 7 - Orozco, V. (2007). **Ethnic Identity, Perceived Social Support, Coping Strategies, University Environment, Cultural Congruity, and Resilience of Latina/o College Students**. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University. The Ohio State University, 2007.
- 8- Richards, M; Hardy, R; Wadsworth, M (1997). The effects of divorce and separation on mental health in a national UK birth cohort. **Psychological Medicine**, 27(5): 1121-1128.
- 9 - Whisman, M. A, Dixon, A. E. & Johnson, B. (1997). Therapists' perspective of couple problems and treatment issues in couple therapy. **Journal of Family Psychology**, 11, 361- 366.
- 10 - Zimet, G. D, Dahlem, N. W, Zimet, S. G, & Farley, G. K. (1988). The multidimensional scale of perceived social support. **Journal of Personality Assessment**, 52(1), 30-41.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی